

عنوان مقاله: تاثیر فرایند جهانی شدن بر تقسیم کار خانگی
نمونه مورد مطالعه: زنان متاهل در شهرهای تهران، شیراز و استهبان

نویسنده: بیژن خواجه نوری

منبع: مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۵ شماره ۸

صص ۱-۲۳

چکیده

بررسی تاثیر فرایند جهانی
شدن بر تقسیم کار دردرون
خانواده

آراء گیدنز و رابرتسون

• مطالعه روابط بین اعضای خانواده ها یکی از هدف های مهم مطالعات جامعه شناسان بوده است. همچنین تاثیر فرایند جهانی شدن بر ساختارهای خرد و کلان جامعه های بشری در دهه های گذشته یکی از دلمشغولی های متفکرین در عرصه های مختلف علوم اجتماعی به ویژه جامعه شناسان می باشد. هدف این تحقیق بررسی تاثیر فرایند جهانی شدن بر تقسیم کار دردرون خانواده است. درابتدا مطالعات انجام شده و سپس نظریه های مرتبط با موضوع بررسی شده اند. مقاله ی حاضر با استفاده از نظریه ای ترکیبی که مبتنی بر آراء گیدنز و رابرتسون و همچنین پژوهش های پیشین است، بر روی نمونه ای از زنان متاهل در شهرهای تهران، شیراز و استهبان، تقسیم کار خانگی را مورد مطالعه قرار داده است.

چکیده

- برای جمع آوری اطلاعات از روش پیمایشی و پرسشنامه ای خود گزارشی که شامل سوالات زمینه ای، رفتاری و نگرشی زنان بود، استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز با شیوه نمونه گیری تصادفی نظام مند به دست آمده است. نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که به ترتیب متغیرهای آگاهی نسبت به فرایند جهانی شدن، تصمیم گیری در خانواده، مشارکت سیاسی، شیوه زندگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی به طور کلی با ۳۰/۸ درصد تقسیم کار خانگی را تبیین می کنند.

زمینه ای، رفتاری و نگرشی

کلید واژه ها

- فرایند جهانی شدن، تقسیم کار خانگی، شیوه زندگی، سرمایه اجتماعی و فرهنگی، مشارکت سیاسی.



مقدمه

- مطالعه تقسیم کار خانگی یکی از موضوع های مهم و مورد توجه جامعه شناسان در حوزه مطالعات خانواده و روابط بین زنان و مردان می باشد. بحث پیرامون تقسیم کار خانگی، به مباحثی همچون قدرت در خانواده، نابرابری جنسیتی، رضایت یا عدم رضایت زنان از نقش کدبانویی دامن می زند (Diefenbach, 2002) نقش نگرش های جنسیتی به عنوان یک عامل تعیین کننده در اینکه افراد چگونه در تقسیم کار خانگی مشارکت می نمایند و تا چه اندازه برای این کار زمان می گذارند، یکی از موضوعات مورد بحث از دهه های گذشته تاکنون بوده است (Acock and Waler, 2004; Diefenbach 2002; Colrtane 2000; Thompson and Walker, 1989)

تقسیم کار خانگی

- اما در ورای بسیاری از مباحث پیرامون تقسیم کار در خانه و نقش زنان در جامعه، این نکته نهفته است که جریانات کلانی در سطح جهانی و جامعه های گوناگون در حال شکل گیری است که خانواده را به صورت های گوناگون تحت تاثیر قرار می دهند. یکی از جریانان، فرایند جهانی شدن است که نظام خانواده متاثر از آن است (Beneria, 2001; Ghosh, 1999; Reardon, 1998) از آن جا که این تاثیرات هنوز به طور کامل شناخته شده نیست، لازم است که مطالعات فراوانی بر روی ابعاد گوناگون فرایند جهانی شدن و تاثیرات آن بر جنبه های مختلف حوزه زندگی خانوادگی انجام پذیرد.

مروری بر ادبیات تحقیق

- شواهد زیادی حاکی از آن است که زنان عمده کارهای خانگی را بر عهده دارند (Colrtane, 2000; Pittman and Balnchart). همچنین در تقسیم کار در خانه ملاحظه شده است که زنان عمدتاً وظایف تکراری و زمان بری همچون تمییز کردن منزل، پخت و پز، شستشوی لباس را انجام می دهند که عمدتاً فشار زیادی به آن ها وارد می کنند (Colrrane, 2000; Barnett and Shen , 1997). این وضعیت در حالی است که شواهد مختلف و بعضاً متناقض نشان دهنده آن است که داشتن منابعی همچون تحصیلات، اشتغال و یا درآمد زنان در خارج از خانه می تواند اثر مثبتی را بر تقسیم کار در داخل خانه برای زنان به همراه داشته باشد (اعزازی، ۱۳۶:۱۳۷۶).

وظایف تکراری و زمان بر

- مطالعات دیگر بیانگر آن هستند که **صرف داشتن منابع، تغییر چندانی در تقسیم کار خانگی ایجاد نمی کند.** به عبارتی زنانی که دارای منابعی همچون شغل هستند (Atkinson and Boles, 1984) و یا همسرانشان بی کار می باشند وظایف بیشتری را در خانه بر عهده دارند.

- به بیان دیگر، یافته های این تحقیقات نشان داده اند که تقسیم کار خانگی منتج از این است که چگونه هر یک از زوجین، با توجه به نقش های خانوادگی، نکاحی و یا شغلی ای که به طور سنتی با ایدئولوژی جنسیتی مرتبط هستند، خودش را تعریف میکند (Kamo, 1988؛ Diefenbach؛ Greenstein, 1996) بر این اساس در جامعه ایران بر مبنای مطالعه ای که بر روی زنان شاغل در تهران انجام پذیرفته، نزدیک به ۶۰ درصد آن ها به نقش ها و مسئولیت های سنتی همچون خانه داری، مادری و هسمرداری باور دارند (رستگار خالد، ۱۳۷۶)

ایدئولوژی جنسیتی

- مطالعات اخیر نشان می دهند که فرایند جهانی شدن و شرایط متأثر از آن در دهه های اخیر موجب دگرگونی در نقش های زنان در جامعه شده است و این امر بر ساختار خانواده و روابط بین زوجین اثر گذاشته است . این مطالعات نشان دهنده آن هستند که فرایند جهانی شدن موجب شده است تا زنان در حوزه های مختلف اقتصادی که تاکنون کمتر در آن ها مشارکت داشته اند، وارد شده و زمان بیشتری را در خارج از خانواده به سر ببرند. همچنین آگاهی زنان نسبت به جهانی شدن و تحولات در سطح جهان و موقعیت سایر زنان در جوامع دیگر بر آگاهی آن ها و موقعیت شان در جامعه و خانواده و همچنین انتظاراتشان اثر داشته است (Royanian, 2003Y UK partnership for global health, 2002Y Beneria, 2001Y Ghosh, 1999, Reardon, 1998 Ministry of International Trade of international Trade and Industry, 1995)

دیدگاه های نظری تقسیم کار خانگی زنان

- به طور دو مدل عمده برای توضیح کار خانگی بیان شده است. از یک سو مدل مبادله اقتصادی است که بر این باور است که اجرای کارخانگی توسط زنان در مبادله برای مایت اقتصادی است (Baxter, 2005Y Brines, 1994) در این مدل تعیین کار در خانواده اساسا اقتصادی و عقلایی است. بر این مبنا مرد فراهم کننده درآمد خانواده است و در عوض، زنان کار خانگی بی مزد را انجام می دهند. انتظار این است که همچنان که زنان زمان بیشتری را صرف کار مزدی می کنند و مشارکت شان در درآمد خانواده بیشتر می شود، تقسیم کار در خانواده متوازن تر می شود. به بیان دیگر کار خانگی و مراقبت از کودکان به روشی عقلایی و کارآمد اجرا شود که در آن شخصی که بیشترین وقت و منابع اقتصادی کمتری دارد، بیشتری کار خانگی را نیز بر عهده می گیرد. برخی مطالعات از این دیدگاه حمایت کرده اند (Baxter, 1992; Ross, 1987; Coverman, 1985)

- اما این نتایج کاملاً روشن‌گر و واضح نیست و همچنان که پیش‌تر گفته شد، مطالعات دیگری نیز نشان داده‌اند که صرف اشتغال زنان در برخی موارد نتوانسته است به تعادل بیشتر در کارهای خانگی بین زوجین بیانجامد (Atkinson & Boles, 1984) همچنین شواهد متناقضی در مورد مردان شاغل و بی‌کار وجود دارد. برخی مطالعات نشان داده‌اند آن هستند که رابطه‌ای بین تقسیم کار خانگی و وضعیت اشتغال مرد وجود ندارد (Ross, 1987)



تعادل

- همچنین در برخی مطالعات دیگر مشاهده شده است که هر چه مردان زمان کمتری را در کار مزدی صرف کرده اند، کمتر در کارهای خانگی نیز زمان صرف کرده اند. اما شواهد قوی تر حاکی از رابطه بین مشارکت اقتصادی نسبی در خانوار و سطح درگیری در کار خانگی است. به بیان دیگر هر چه مشارکت اقتصادی شوهر در خانوار کمتر باشد، تقسیم کار خانگی در خانوار متوازن تر می شود (Ross, 1987)

مشارکت اقتصادی نسبی در خانوار و سطح درگیری در کار خانگی

- به طور کلی نظریه منابع نسبی در این مدل می توان قرار گیرد . این نوع تبیینات در تقسیم وظایف خانگی در ۱۹۶۰ میلادی توسط بلود و ولف تحت عنوان نظریه منبع نسبی مطرح گردید (Diefenbach, 2002) فرض اساسی این نظریه آن است که توازن قدرت در سمت آن شریک زناشویی است که منابع بیشتری را در ازدواج داشته باشد.(Ibid.) به بیان دیگر، این دیدگاه بر آن است که هر یک از شرکای ازدواج که منابع بیشتری را در رابطه زناشویی داشته باشد، دارای قدرت بیشتری است. از آن جا که مردان در رابطه زناشویی نوعا کسب درآمد می نمایند، لذا قدرت بیشتری است.

- از آن جا که مردان در رابطه زناشویی نوعاً بیشتر کسب درآمد می نمایند، لذا قدرت بیشتری داشته و بیشتر می توانند چانه زنی کنند. در نتیجه آن ها را از کارهای خانگی تکرار و ناگوار خلاصی می دهد (Nakhaie, 1995)

- از دیدگاه این نظریه، تقسیم کار در خانه نتیجه یک تصمیم عقلایی یا منطقی است (Diefenbach, 2002) همان طور که در بخش مرور ادبیات تحقیق نیز آمد، تحقیقاتی نیز این نظریه را حمایت می کنند. اما تحقیقات دیگر نیز مشخص ساخته اند د رمواردی که زنان نیز دارای منابع بیشتری نسبت به مردان بوده اند، همچنان وظایف تکراری و زمان بری مانند شستشو و پخت و پز و مانند آن را بر عهده داشته اند. لذا این نظریه نمی تواند همه موارد مشاهده شده را تبیین نماید. از سوی دیگر این مدل سعی بر آن دارد که متغیر جنسیت را در محاسبات و تبیینات خود وارد نکرده و تاثیرات آن را از پیش خنثی سازد.

یک تصمیم عقلایی یا منطقی

- مدل دو سعی بر آن دارد که دقیقا تاثیرات جنسیت و اهمیت نمادین آن را در تعیین کار خانگی مد نظر قرار دهد. برای همین نیز بر جنسیت و نقش آن در سازمان دهی کار خانگی تمرکز می کند. (Ferree, 1990; West and Zimmerman, 1987) این مدل اشاره به سازه نمادین کار خانگی دارد که در آن زن کار می کند و همچنین نمایشی از عشق زن به خانواده و تبعیت او از همسرش است (Ferree, 1990). به باور کسانی که از این مدل استفاده کرده اند ترتیبات سازمان کار خانگی دو فرایند تولید را به طور همزمان حمایت می کند: از یک سو کالاها و خدمات و از سوی دیگر جنسیت.

- بر این اساس خانوار مبتنی بر ازدواج یک کارخانه جنسیتی است و جنسیت مهم ترین عامل در تبیین این سوالات است که چه کسی کار خانگی می کند و چرا کار خانگی به طور کارآمد یا به طور عقلانی مطابق با آن کسی که بیشترین زمان را صرف می کند، تعیین نمی شود. همچنین به تبیین این سوال نیز کمک می کند که چرا زنان و مردان احتمالا تقسیم کار را عادلانه می بینند در حالی که ممکن است در واقعیت، بسیار نابرابر توزیع شده باشد (Ferree, 1990; Baxter, 2005)



عادلانه

- رویکردی که منطبق با این مدل است دیدگاه ایدئولوژی جنسیتی است. بر اساس این دیدگاه، ایدئولوژی جنسیتی سنتی کار خانگی را به زنان نسبت می دهد و در نتیجه زنان بخش اعظم کار خانه را انجام می دهند حتی اگر در مقایسه با مردان دارای کار بیشتری باشند. **همین دیدگاه سنتی می تواند رفتار مردان را تبیین کند که چرا در شرایطی که حتی به لحاظ مالی به زن هایشان وابسته هستند از انجام کارهای خانه سرباز می زنند.** به بیان دیگر، این وضعیت برای مردان این فرصت را به وجود می آورد تا هویت تخطی ناپذیری را با نقش مردانه بیان نمایند (Diefenbach, 2002; Xu and Lai, 2002)

چارچوب نظری تحقیق

- نظریه های بالا هر یک بخشی از واقعیت موجود را بیان می نمایند و یافته های تحقیقات موجود نیز در حمایت یکی و یا نفی دیگری، شواهدی را به دست می دهند. لذا ارائه چارچوبی که بتواند بر مشکلات دو نظریه بالا فایق آید، ضروری می نماید. این چارچوب می باید علاوه بر در نظر گرفتن نکات مثبت هر دو مدل به این امر نیز توجه کند که فرایندهایی در سطح جهانی وجود دارند که بر این سطوح خرد تاثیر می گذارند. یکی از فرایندهای مهم در این خصوص، فرایند جهانی شدن است.

سطوح خرد

- جهانی شدن پدیده است که در چند قرن گذشته اتفاق افتاده اما در دهه های اخیر بر اثر رشد و دگرگونی در برخی از قلمرو های نظام اجتماعی سرعت زیاد پیدا کرده است (Mittleman, 2000) و موجب دگرگونی های کیفی (Dale, ۱۹۹۹) در زندگی انسان ها گردیده است. همچنین علی رغم ناهموازی این فرایند، مسلم است که در دو دهه آخر قرن بیستم، گام های بسیار قبل ملاحظه ای در جهت یکپارچگی جهانی برداشته است (Kaplinsky, 2001)،

یکپارچگی
جهانی

- به باور گیدنز جهانی شدن تشدید روابط اجتماعی جهانی است (گیدنز، ۱۳۷۷:۷۷) جهانی شدن فراگرد بسط یابنده ای است که به چارچوب مفهومی فاصله گیری زمان- مکان راجع است که این نیز به **روابط پیچیده میان درگیری های محلی** (شرایط هم حضوری) و هم کنش از راه دور (پیوندهای میان حضور و غیبت) سوق می دهد. بر این اساس تغییرات در یک نقطه از جهان به تغییرا در نقاط دیگر جهان می انجامد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۸۸-۹۱)

فاصله گیری زمان- مکان

- دیدگاه رابرتسون نیز جهانی شدن را در هم فشردن جهان و تبدیل آن به مکانی واحد می داند (رابرتسون، ۱۳۸۲، ۷۰ و ۱۳۰) در دیدگاه وی آگاهی نسبت به جهانی شدن نقش مهمی را بازی می کند. دو دیدگاه فوق از منظری فرهنگی به جهانی شدن نگاه می کنند و می توان آن ها را برای یک کار مطالعات همچنان که واترز (Waters, 2001: 14-16) ترکیب کرده است، ترکیب نمود.

- پیش از ورود به بحث درباره تثیرات فرهنگی جهانی شدن لازم است که به این نکته اشاره نماییم که این فرایند بر ساختارهای جامعه و الزامات ساختاری درون آن اثر می گذارد. آنچه که در درون جامعه و اجزای آن یعنی نظام های فن آوری، اقتصاد، فرهنگ و سیاست روی می دهد، تحولاتی را رد ساختارهای جمعیتی ایجاد می کنند(خواجه نوری، ۱۳۸۵)

ساختارهای جامعه و الزامات ساختاری



گیدنز

- به باور گیدنز یکی از مهم ترین تاثیرهای صنعت گرایی، دگرگونی در فن آوری های ارتباطات بوده است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۲) همچنین تجدد از رسانه های «خاص خود» تفکیک ناپذیر است (گیدنز، ۱۳۸۷: الف ۵۴-۴۶) رسانه ها نقش عمده ای در تکمیل جداسازی زمان و فضا بازی کرده اند (همان: ۴۷) به طور کلی فن آوری های اطلاعاتی و ارتباطی (ICT ها) شامل همه تکنولوژی هایی می شوند که جابه جایی اطلاعات را ممکن نموده و اشکال متفاوتی از ارتباطات را میان کنش گران انسانی، بین انسان ها و نظام الکترونیکی و میان نظام های الکترونیکی تسهیل می کنند (Hirst and Thompson). این تکنولوژی ها در تعامل با سایر ابعاد جهانی شدن نه تنها گسترش کمی و کیفی فراوانی داشته اند، بلکه به فشردگی و تشدید روابط اجتماعی کمک نموده اند (Sornes et al, 2004)

- مطالعات انجام شده در خصوص رابطه فن آوری های اطلاعاتی و ارتباطی و گروه های اجتماعی انجام شده و حاکی از آن هستند که خانواده ها در پذیرش و یا رد این وسایل و نحوه و چگونگی مصرف آن ها موثر می باشند (Stewart, 2003) استفاده از ICT ها مرزهای سنتی خانه را به چالش گرفته و موجب دگرگونی در روابط و تعاملات درونی و بیرونی فرد در زندگی روزمره شده اند (Ibid). این وسایل با حذف فواصل جغرافیایی و اجتماعی و ایجاد ارتباط بین افراد و گروه های اجتماعی بر نگرش ها و ایستارهای افراد تاثیر گذاشته و تقاضاهای مختلف را در بین آنها بالا برده اند (Ibid)

روابط و تعاملات درونی و بیرونی فرد

- همچنین مطالعات فراوانی روابط بین فن آوری های اطلاعاتی و ارتباطی و فرهنگ را آشکار ساخته اند. برخی از این مطالعات، برای مثال تاثیر فرهنگ ملی را بر توسعه این فن آوری ها مورد کنکاش قرار داده اند (Sornes, 2004; Maitland. 1999; Goodman, Press, 1994; Ruth and Rutkowski, 1994). فن آوری های جدید اطلاعاتی و ارتباطی تاثیر قاطعی بر فرهنگ های کشورهای مختلف گذاشته اند. این فن آوری ها با ایجاد امکانات برای کشورهای مختلف موجب شده اند تا آن ها بتوانند ارزش ها و هنجارهای خود را در سایر کشور نشر و گسترش دهند (Hamelink, 1997). در این روند امکانات حمل و نقل و تلاش کشورها در جلب توریسم نیز بر دگرگونی تدریجی عادات فرهنگی مردم کشورهای مختلف موثر بوده اند.

دگرگونی تدریجی عادات فرهنگی

- زنان نسبت به مردان دیرتر و در مقیاس محدودتری از فن آوری ها استفاده کرده اند (Epodoi, 2003) اما این فن آوری ها فرصت مهمی برای توانمند سازی زنان مهیا ساخته اند (Hafkin ad Taggart, 2001) دستیابی به اطلاعات و تحصیلات آگاهی زنان را افزایش می دهد. به علاوه، **ماهیت غیر متمرکز، تعاملی و غیر سلسله مراتبی** این فن آوری ها فضای بی همتایی برای زنان به جهت توسعه دیدگاه ها، عقاید، منافع ارائه داده است (Hafkin and Taggart, 2001). جهانی شدن فرهنگ، جنبه ای بنیادی در پشت هر یک از بعدهای گوناگون نهادی جهانی شدن است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۲) بحث جهانی شدن و فرهنگ را می توان بر حول سه مفهوم ارزش ها و استانداردها و گفتمان جهانی و دیگری شیوه زندگی دنبال کرد. با توجه به فراز بالا اکنون به رابطه بین جهانی شدن و فرهنگ می پردازیم.

- در فرایند جهانی شدن، برخی مفاهیم فرهنگی همچون حقوق زنان و کودکان به مفاهیمی جهان شمول و عامل مبدل شده اند. این گفتمان ها در سطح خرد به شکل تساوی گرایی بین زن و مرد و تلاش در جهت رفع نابرابر جنسیتی (Mason and Smith, 2003). ایدئولوژی هایی همچون سوسیالیسم و سرمایه داری بر نگرش های نقش جنسیتی و حقوق زنان در سطح خرد تاثیر گذاشته اند (Heaven, 1999)

- تحولاتی که در جهت لیبرالیزه و دموکراتیزه کردن جهان و همچنین اوج گرفتن مباحث حقوق بشر و حقوق زنان به همراه گفتمان های فمینیستی در سطوح جهانی رخ داده، در سطوح خرد منجر به دگرگونی در نگرش های زنان و مردان نسبت به نقش های جنسیتی و روابط بین آنها می گردد (Loo, 1998) البته این پدیده تنها معلول آگاهی اعضای شبکه خانوادگی از طریق ICT ها نمی باشد و بالارفتن سطح سواد زنان و مردان (ایزدپناه، ۱۳۷۷ خواجه نوری، ۱۳۷۹ Biri, et al)، اشتغال زوجین نیز خود در افزایش سطح آگاهی آنان اثر داشته است (Spitze and Waite, 1981; Spitze and Huber, 1981)

- یکی از تاثیرات دیگر جهانی شدن که دارای رابطه مهمی با فرهنگ مهم می باشد، تغییر در شیوه زندگی مردم است که تحت تاثیر فن آوری های اطلاعاتی و ارتباطی نیز هست. برخی از نظریه پردازان بر نقش شیوه زندگی در **خلق هویت های فردی و جمعی** افراد تاکید گذاشته اند (Lamont and Molnar, 2001) گیدنز به عنوان یکی از نظریه پردازان جهانی شدن تاکید فراوانی بر کاربرد هویت بخش شیوه زندگی داشته است (خواجه نوری، ۱۳۸۵) به باور وی شیوه زندگی در دنیا معاصر اهمیت زیادی پیدا کردن و سنت نیز بیشت راز گذشته معنای خود را از دست داده است و زندگی روزانه افراد بیشتر تحت تاثیر دیالکتیک امر محلی و امر جهانی شکل می گیرد و بیشتر افراد مجبورند تا از میان مجموعه انتخاب ها، چیزهایی را گزینش کنند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۹-۱۲۹).

- شیوه زندگی به عنوان مجموعه ای از عملکرد ها است که فرد آن ها را به کار می گیرد چون، نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می سازند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران متجسم می سازد(همان جا: ۱۲۰). شیوه زندگی نه تنها در زمینه خود و هویت بلکه در حوزه کار و فعالیت نیز که به شدت متاثر از اجبارهای اقتصادی می باشد، دارای اهمیت است (همان جا: ۱۲۱)

اجبارهای اقتصادی

- همچنین شیوه زندگی افزون بر مشارکت در فعالیت های اقتصادی، مشارکت در فعالیت های سیاسی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد. از آن جا که گفتمان های سیاسی همچون لیبرالیسم و سوسیالیسم توانسته اند در سطح خرد بر نگرش های مساوات طلبانه افراد اثر گذارند، بنابراین مشارکت سیاسی افراد می تواند در میان سایر عوامل تاثیرات خوبی بر تقسیم کار خانگی داشته باشد.

مشارکت سیاسی افراد

- بین استفاده از فن آوری های اطلاعاتی و ارتباطی و تقسیم کار خانگی رابطه وجود دارد.
- بین آگاهی نسبت به جهانی شدن و تقسیم کار خانگی رابطه وجود دارد.
- بین تصمیم گیری زنان درمسائل خانه و تقسیم کار رابطه وجود دارد.
- بین مشارکت سیاسی زنان و تقسیم کار خانگی رابطه وجود دارد.
- بین شیوه زندگی زنان و تقسیم کار خانگی رابطه وجود دارد.

- بین سرمایه اقتصادی خانواده (درآمد پاسخ گو، همسرش، دارایی های منقول و غیر منقول خانواده) و تقسیم کار خانگی رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه اجتماعی پاسخ گو (شبکه اجتماعی پاسخ گو، منزلت شغلی وی، پدر، مادر و. همسرش) و تقسیم کار خانگی رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه فرهنگی پاسخ گو (تحصیلات پاسخ گو، پدر، مادر و همسر) و تقسیم کار خانگی رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای جمعیت شناختی و تقسیم کار خانگی رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

- این پژوهش مبتنی بر روش پیمایشی بوده است. از پرسشنامه به عنوان ابزار پژوهش استفاده شده است. پرسش های پرسشنامه، حاوی ابعاد گوناگون رفتار عینی، نگرش های افراد و ویژگی های فردی پاسخ گویان است. جامعه آماری این پژوهش زنان متاهل بین سنین ۱۶ تا ۴۵ سال ساکن در شهرهای شیراز، تهران و استهبان بوده است. نحوه گزینش به این دلیل بود که زنانی که حداقل کلاس سوم راهنمایی را گذارنده باشند در نمونه وارد شوند و از سوی دیگر زنان با سن ۴۵ سال را نیز حد نهایی شرط سنی قرار داده شدند تا تاثیرهای یائسگی (انجمن پزشکی بریتانیا، ۱۳۸۲: ۱۶ و ۳۷) را که می تواند بر روی هویت آنها اثر بگذارد، کمینه کنیم. افزون بر این، سنین بالاتر کمتر تحت تاثیر عامل های جهانی شدن بوده و هویت آنها کم و بیش تثبیت شده است.

- تهران به عنوان پایتخت ایران، بیش از سایر شهرهای ایران، از دگرگونی های منطقه ای و جهانی می پذیرد. **شیراز به دلیل مرکز استان بودنش و مجاورت با کشورهای خلیج فارس در پیش قراولی تغییر فرهنگی دارای اهمیت فراوان است.** استهبان یکی از مراکز شهرستان های فارس است که به لحاظ پیشینه ی تاریخی دارای بافت مذهبی و سنتی است و می تواند برای انجام مقایسه های علمی موردی مناسب باشد. واحد نمونه گیری مورد استفاده خانواده است. هر خانواده که دارای یک زن در سنین یا شده بوده و دست کم کلاس سوم راهنمایی را به پایان رسانده بود، توانسته است به صورت بالقوه در بردارنده واحد تحلیل یعنی زنان ۱۶ تا ۴۵ سال باشد.

- چارچوب نمونه گیری تحقیق محدوده مصوب شهرهای مورد مطالعه بود. شیوه نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای بود. بدین معنی که از بین مناطق سرشماری هر شهر شماری منطقه به گونه تصادفی برگزیده و سپس در درون هر منطقه به نسبت وجود خانواده ها، بلوک های کوچک تر به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شدند. خانوارهای درون خوشه ها مورد بررسی و در صورت وجود یک زن با ویژگی های بالا در خانواده با او مصاحبه شد.

- برای محاسبه حجم نمونه پژوهش از روش نمونه گیری لین استفاده شد (Lin, 1987: 446-447) نمونه گزینشی برای شیراز با ضریب پایایی $+4$ ، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد (فرض بالاترین حد واریانس در جمعیت) برابر با ۳۸۸ نفر بود. در تهران با ضریب پایایی $+3$ ، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد شمار نمونه گزینشی برابر ۶۵۳ نفر بود. در استهبان، با ضریب پایایی $+5$ ، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد، برابر با ۲۳۷ بود. علت تفاوت ضریب پایایی در میان سه شهر ناهمگونی متفاوت در درون هر شهر بوده است.

یافته های تحقیق

- همچنان که مشاهده می شود، ۵۰/۶ از پاسخ گویان در تهران، ۳۰/۳ درصد در شیراز و ۱۹/۱ درصد از پاسخ گویان در استهبان سکونت دارند (جدول شماره ۱) همچنین با توجه به جدول شماره ۲، ۸۱ درصد از پاسخ گویان شاغل و ۱۹ درصد نیز شاغل هستند.

- جدول شماره ۳ نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تقسیم وظایف در خانه است. این تقسیم کار شامل ۷ وظیفه است. همچنان که مشاهده می شود، به جز تعمیرات جزئی در منزل که ۷۷/۹ درصد مربوط به پدر خانواده است، درصد بالایی از وظایف دیگر بر عهده مادر خانواده می باشد. تنها وظیفه ای که مردان در آن مشارکت نسبتاً بالایی دارند، خرید روزانه برای منزل است که آن نیز مرتبط با بیرون خانه است.

تقسیم وظایف در خانه

- بنابراین مشاهده می شود که یک تفکیک عمومی در مورد وظایف خانگی وجود دارد. به نحوی که کارهایی که جنبه تعمیراتی و به نحوی تخصصی است و یا این که در ارتباط با خارج است، مردان تمایل بیشتری دارند که در آنها مشارکت نمایند، از سوی دیگر کارهایی که جهت آن ها بیشتر معطوف به خانه است و نیازمند تخصص چندانی نیست، و همچنین تکراری هستند را زنان متقبل شده اند.

تفکیک عمومی در مورد وظایف خانگی

جدول شماره ۳- توزیع فراوانی زنان پاسخ گو بر حسب تقسیم وظایف در خانه

پدر		مادر		هر دو و یا با دیگران		
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۳۴	۲/۸	۱۰۷۷	۹۰/۱	۸۴	۷/۰	نظافت منزل
۴۹۸	۴۱/۷	۵۶۸	۴۶/۴	۱۲۸	۱۰/۵	خرید روزانه منزل
۱۴	۱/۲	۱۱۵۱	۹۶/۴	۲۹	۲/۴	پخت و پز غذا
۲۷	۲/۳	۱۰۵۲	۸۶/۰	۱۱۴	۹/۶	شستن ظرف ها
۱۲۹	۱۰/۵	۹۶۳	۷۸/۷	۸۷	۷/۱	مراقبت از فرزندان کوچک
۳۰	۲/۵	۱۰۶۲	۸۶/۸	۹۷	۸/۲	شستشوی لباس ها
۹۵۳	۷۷/۹	۱۶۴	۱۳/۴	۷۴	۶/۱	تعمیرات جزئی خانه

یافته های استنباطی

- در این جا به بررسی فرضیات تحقیق با استفاده از تکنیک های آمار استنباطی می پردازیم. جدول شماره ۴ نشان دهنده تفاوت میانگین تقسیم کار خانگی بر حسب وضعیت شغلی زنان در خارج از خانه است. نحوه کدگذاری متغیر تقسیم کار به نحوی بوده است که خانواده هایی که تساوی گرایی بیشتری در تقسیم کار آن ها رعایت شده است، نمره بالاتری گرفته اند. همچنان که داده های جدول نشان می دهد، میانگین نمره زنانی که شاغل هستند، بیشتر است (۲/۸۷۶۰ در مقابل ۲/۲۸۹۶). به بیان دیگر، در خانه هایی که زنان شاغل بوده اند تساوی گرایی جنسیتی بیشتر وجود دارد. مقدار F این جدول ($F=17/675$) در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی دار است.

کدگذاری متغیر تقسیم کار

جدول شماره ۴- آزمون تفاوت میانگین تقسیم کار خانگی بر حسب اشتغال زنان در خارج از خانه

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
خانه دار	۹۰۸	۲/۲۸۹۶	۲/۰۸۹۷۲	۱۷/۶۷۵	۰/۰۰۰
شاغل	۲۵۰	۲/۸۷۶۰	۲/۵۹۵۳۰		

- جدول شماره ۵ تفاوت میانگین تقسیم کار در خانه را بر اساس شهر محل سکونت آنها می‌سنجد. همچنان که مشاهده می‌شود میانگین تساوی گرایی و مشارکت هر دوی زوجین در کارهای خانه در شهر تهران بیش از دو شهر دیگر است. در استهبان نیز بیش از شیراز مردها در فعالیت‌های خانه مشارکت داشته‌اند هر چند که با استفاده از آزمون شفه تفاوت بین شیراز و استهبان در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار نیست

آزمون شفه

جدول شماره ۵- آزمون تفاوت میانگین تقسیم کار خانگی بر حسب شهر محل سکونت زنان

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
تهران	۵۶۷	۲/۶۶۳۱	۲/۴۳۶۷۱	۷/۰۴۳	۰/۰۰۱
شیراز	۳۶۲	۲/۱۴۶۴	۱/۹۲۴۶۵		
استهبان	۲۲۹	۲/۲۳۱۴	۲/۰۲۹۱۰		

سن پاسخ گوی همسر

- جدول شماره ۶ نشان دهنده رابطه همبستگی بین متغیرهای جمعیتی با متغیر وابسته (تقسیم کار خانگی) می باشد. با توجه به شماره ۶، بین برخی از متغیرهای جمعیتی همچون سن پاسخ گو، سن همسر پاسخ گو، سن پاسخ گو در هنگام ازدواج، سال های ازدواج و تعداد فرزندان با تقسیم کار در خانه رابطه معنی دار و مثبتی وجود دارد. به بیان دیگر هر چه سن پاسخ گوی همسر زیادتر باشد تساوی گرایی در وظایف خانه بیشتر می شود (این رابطه برای سن زنان در سطح ۹۹ درصد اطمینان و برای سن همسر پاسخ گو در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی دار است)

- همچنین هر چه زنان در سنین بالاتری ازدواج کنند، احتمال اینکه از مشارکت بیشتر همسرانشان در کارهای خانه برخوردار گردند بیشتر می شود ($SIG=0/01$). افزون بر این، هرچه سال های ازدواج بیشتر باشد، احتمال اینکه کردها بیشتر در کارهای خانه شرکت نمایند بیشتر است. این رابطه در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان معنی دار ($SIG=0/05$) همچنین بیشتر فرزندان موجب مشارکت بیشتر مردها و فرزندان در کارهای خانه می شود. این رابطه نیز در سطح بیش از ۹۵ درصد اطمینان مورد تایید می باشد ($SIG=0/01$)

جدول شماره ۶- همبستگی بین برخی از متغیرهای جمعیتی با تقسیم کار خانگی

تقسیم کار خانگی	
$0/074^{**}$	سن پاسخ گو
$0/064^*$	سن همسر پاسخ گو
$0/079^{**}$	سن پاسخ گو در ابتدای ازدواج
$0/060^*$	سال های ازدواج
$0/055$	بعد خانوار
$0/075^{**}$	تعداد فرزندان

$^*P < 0/05$

$^{**}P < 0/01$

- جدول شماره ۷ به بررسی رابطه برخی متغیر اجتماعی که مبتنی بر چارچوب نظری هستند و تقسیم کار خانگی می پردازد. همچنان که نتایج آماری جدول نشان می دهند، هرچه آگاهی زنان نسبت به مسائل جهانی و تحولات آن بیشتر می شود، مشارکت مردان نیز در فعالیت های خانگی بیشتر می شود. به بیان دیگر آگاهی زنان نسبت به مسائل پیرامون آن ها سبب افزایش مشارکت مردان در فعالیت های خانگی می شود. این رابطه در سطح بیش ۹۹ درصد اطمینان معنی دار است ($Sig=0/01$)

افزایش مشارکت مردان در فعالیت های خانگی

- **مشارکت اجتماعی زنان در امور سیاسی**، به عنوان بعدی از مشارکت زنان در اجتماع دارای رابطه معنی دار با تساوی گرایی در وظایف خانگی است. به بیان دیگر هر چه زنان بیشتر در امور سیاسی مشارکت نمایند، مشارکت مردان در فعالیت های خانگی بیشتر می شود. این رابطه در سطح بیش ۹۹ درصد اطمینان معنی دار است ($Sig=0/01$)

- یکی از فرضیات تحقیق **رابطه بین استفاده از فن آوری های اطلاعاتی و تقسیم کار در خانواده** بود. از آنجا که استفاده از این فن آوری ها چند سالی است که در جامعه ما رایج شده و در حال گسترش است، و همچنین بیشتر توسط جوان ها و افراد مجرد گسترش بیشتری داشته است (خواجه نوری، ۱۳۸۵)، لذا به نظر می رسد که رابطه این متغیر با تقسیم کار خانگی و در بین زنان متاهل معنی دار نبوده است.

- استفاده از وسایل ارتباط جمعی پیشین همچون رادیو و تلویزیون، روزنامه، کتاب و مجله توسط زنان و تساوی گرایی در وظایف خانگی دارای رابطه معنی دار در سطح ۹۵ درصد اطمینان بوده است. به بیان دیگر استفاده بیشتر از این وسایل توسط زنان متأهل رابطه معنی داری با مشارکت بیشتر مردان داشته است ($Sig=0/05$) مدرن بودن یکی دیگر از متغیرهای نظری مرتبط با تقسیم کار خانگی است. زنانی که مدرن تر بوده اند تساوی گرایی بیشتری در وظایف خانگی را نیز تجربه کرده اند. رابطه این دو متغیر در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان معنی دار بوده است ($Sig=0/01$)

- نگرش های نقش های جنسیتی یکی دیگر از متغیرهایی است که مستخرج از چارچوب نظری است. با توجه به جدول شماره ۷، هر چه زنان نقشهای جنسیتی سنتی باشند، مشارکت مردان نیز در کارهای خانه بیشتر می شود. این رابطه در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان معنی دار است ($Sig=0/01$) سکولار بودن یکی دیگر از متغیرهایی است که رابطه آن با تقسیم کار خانگی مورد بررسی قرار گرفته است. جدول شماره ۷ نشان می دهد که **زنانی که سکولار هستند مشارکت بیشتری از همسرانشان در رابطه با وظایف در درون خانه تجربه کرده اند.** این رابطه در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان معنی دار بوده است ($Sig=0/01$)

- تصمیم گیری زنان در امر خانه (تنظیم بودجه خانواده، انتخاب محل سکونت، خرید لوازم ضروری منزل، نحوه گذران اوقات فراغت، تعیین محل مسافرت و انتخاب وسایل اساسی منزل) یکی دیگر از عوامل موثر بر مشارکت بیشتر مردان در فعالیت های خانه و تقسیم کار درون خانه است. به بیان دیگر هر چه زنان بیشتر در تصمیم گیری های درون خانه مشارکت داشته باشند، تساوی گرایی و یا مشارکت بیشتر مردان در فعالیت های خانه را نیز تجربه می کنند. رابطه بین دو متغیر فوق در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان معنی دار است ($Sig=0/01$). شیوه زندگی از دیگر متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق بوده است.

- بر اساس نظریه هر چه شیوه زندگی زنان جدیدتر شود، تقسیم کار درون خانه بیشتر به سوی تساوی گرایی سوق داده می شود. رابطه بین دو متغیر فوق در سطح بیش از ۹۵ درصد اطمینان مورد تایید می باشد ($Sig=0/05$) سرمایه مالی پاسخ گویان که شامل درآمد وی و همسرش و همچنین دارایی های همچون حساب های بانکی شخص، زمین و مستغلات مختلف بوده است،

حساب های بانکی شخص، زمین و
مستغلات مختلف

- با تقسیم کار در خانه دارای رابطه منفی می باشد. هنگامی که همبستگی درآمد پاسخ گو و درآمد همسر وی را که از عناصر سازنده سرمایه مالی بوده اند به طور مجزا با متغیر تقسیم کار در خانه مورد بررسی قرار دادیم، دریافتیم که درآمد پاسخگو با متغیر وابسته دارای رابطه معنی دار در سطح حداقل اطمینان مورد نظر (۹۵ درصد) نبود ($\text{Sig}=0/488$ $r=0/16$) اما درآمد همسر پاسخ گو دارای رابطه معنی دار و معکوس با متغیر وابسته بود ($r=0/166$ ، $\text{Sig}=0/000$) سرمایه فرهنگی که شامل تحصیلات پاسخ گو، والدین وی و همچنین همسر پاسخ گو بیشتر باشد، تساوی گرایی در فعالیت های خانگی بیشتر می شود. رابطه بین دو متغیر فوق در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی دار است ($\text{Sig}=0/01$)

جدول شماره ۷- همبستگی بین برخی از متغیرهای اجتماعی با تقسیم کار خانگی

تقسیم کار خانگی	
۰/۰۸۶ ^{**}	آگاهی نسبت به جهانی شدن
۰/۰۸۷ ^{**}	مشارکت سیاسی
۰/۰۴۷	استفاده از ICTها
۰/۰۴۷ ^c	وسایل ارتباط جمعی پیشین
۰/۰۹۴ ^{**}	نگرش‌های نقش جنسیتی
۰/۱۵۵ ^{**}	تصمیم‌گیری
۰/۰۶۱ ^o	شیوه زندگی
-۰/۱۰۹ ^{**}	سرمایه اقتصادی
۰/۰۴۱	سرمایه اجتماعی
۰/۰۹۹ ^{**}	سرمایه فرهنگی

^{**}P<۰/۰۱ و ^cP<۰/۰۵

- جدول شماره ۸ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره را به شیوه مرحله به مرحله برای متغیر وابسته تقسیم کار خانگی نشان می دهد. داده های جدول نشان دهنده آن هستند که از میان متغیرهای مستقل، شش متغیر آگاهی نسبت به جهانی شدن، تصمیم گیری، مشارکت سیاسی، شیوه زندگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی به ترتیب وارد معادله شده اند.

شش متغیر آگاهی نسبت به جهانی شدن،
تصمیم گیری، مشارکت سیاسی، شیوه زندگی،
سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی

• **اولین** متغیر وارد معادله، آگاهی نسبت به جهانی شدن است. همبستگی بین این متغیر با متغیر وابسته نزدیک به ۰/۲۸ است. ۹/۹ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کند. **دومین** متغیر وارد در تصمیم گیری زنان در مسائل خانه است. این متغیر به همراه متغیر پیشین، ۱۶/۸ درصد تغییرات متغیر تقسیم کار خانگی را پیش بینی می کند. ۶/۹ تغییرات متغیر وابسته در مرحله دوم مربوط به این متغیر است.

آگاهی نسبت به جهانی شدن

تصمیم گیری زنان در مسائل خانه

- در **مرحله سوم** مشارکت زنان وارد معادله شده است. با ورود این متغیر به معادله، توان پیش بینی مدل به $21/1$ درصد رسیده است. $4/3$ توان تبیین مدل در این مرحله مربوط به این متغیر است. شیوه زندگی **چهارمین** متغیر وارد شده در مدل است. با ورود این متغیر به مدل، مدل تحقیق $24/8$ درصد تغییرات متغیر وابسته را می تواند تبیین کند.

• ۳/۷ درصد توان تبیین مدل مربوط به این مدل است. در **پنجمین** مرحله، سرمایه اجتماعی پاسخ گو وارد معادله شده است. این متغیر در همبستگی دو متغیره دارای رابطه حداقل ۹۵ درصد اطمینان با متغیر تقسیم کار خانگی نبوده است. اما با کنترل تاثیرات متغیرهای مستقل دیگر وارد معادله شده است. با ورود این متغیر به معادله توان تبیین مدل به ۲۶/۷ درصد رسیده است. ۱/۹ درصد تغییرات متغیر وابسته مربوط به این متغیر است.

- در **ششمین** مرحله که آخرین مرحله رگرسیون چند متغیره نیز می باشد، سرمایه فرهنگی پاسخ گو وارد معادله شده است. در این مرحله توان تبیین مدل به $30/8$ درصد رسیده است. در مجموع این مدل توانسته است با شش متغیر مستقل $30/8$ تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند.

جدول شماره ۸- متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس
تقسیم کار خانگی زنان

مراحل ورود متغیرها	متغیر	R	R ^۲	مقدار F	Sig F	مقدار اضافه شده به R ^۲	Beta	T	Sig. T
اول	آگاهی نسبت به جهانی شدن	۰/۳۱۵	۰/۰۹۹	۲۰/۳۵۵	۰/۰۰۰	۰/۰۹۹	۰/۳۶۷	۴/۱۱۴	۰/۰۰۰
دوم	تصمیم گیری	۰/۴۱۰	۰/۱۶۸	۱۸/۵۶۲	۰/۰۰۰	۰/۰۶۹	۰/۲۶۵	۴/۲۰۸	۰/۰۰۰
سوم	مشارکت سیاسی	۰/۴۵۹	۰/۲۱۱	۱۶/۶۷۸	۰/۰۰۰	۰/۰۴۳	۰/۲۹۶	۳/۰۶۲	۰/۰۰۳
چهارم	شیوه زندگی	۰/۴۹۸	۰/۲۴۸	۱۵/۳۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۷	۰/۱۹۹	۲/۹۵۷	۰/۰۰۴
پنجم	سرمایه اجتماعی	۰/۵۱۷	۰/۲۶۷	۱۳/۱۸۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۹	۰/۲۶۵	۳/۴۵۲	۰/۰۰۱
ششم	سرمایه فرهنگی	۰/۵۵۵	۰/۳۰۸	۱۳/۳۵۲	۰/۰۰۰	۰/۰۴۱	۰/۲۵۷	۳/۲۶۷	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه گیری

- پژوهش حاضر برای سنجش تاثیر فرایند جهانی شدن بر تقسیم کار در خانه زنان متاهل در شهرهای تهران، شیراز و استهبان مورد مقایسه و بررسی قرار گرفتند. بر اساس نظریه ای ترکیبی مبتنی بر آراء گیدنز و رابرتسون هشت فرضیه استخراج گردید. این پژوهش با استفاده از روش پیمایشی انجام شد.

- ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل دو متغیره نشان دهنده آن است که تساوی گرایی در تقسیم کار خانگی در شهر تهران بیش از دو شهر دیگر بوده است. همچنین زنان شاغل بیش از زنان غیر شاغل این تساوی گرایی را تجربه کرده اند. در خصوص منابع دیگر همچون سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی نیز مشخص شد که در تبیین تقسیم کار خانگی اثر مثبت دارند. این نتیجه با دیدگاه و مطالعاتی که نقش منابع را در تساوی گرایی تقسیم کار خانگی مطالعه کرده اند همخوانی دارد (Atkinson and Boles, 1984)

- اگرچه در این پژوهش وسایل طلاعاتی و ارتباطی دارای رابطه معنی داری با تقسیم کار خانگی نداشت. شاید دلیل این امر این است که همچون سایر بخش های جهانی زنان دیرتر از مردان از این وسایل استفاده کرده اند (Epidoi, 2003) ضمن آنکه این وسایل در ایران از ۱۳۷۰ به بعد وارد ایران شده اند (خواجه نوری، ۱۳۸۵) اما استفاده از وسایل ارتباط جمعی پیشین همچون رادیو و تلویزیون داخلی، کتاب و روزنامه و مجله و نظایر آنها رابطه داشتند.

- نگرش های نقش جنسیتی یکی دیگر از متغیرهایی بود که در تحقیقات پیشین رابطه اش با تقسیم کار تساوی گرایانه مورد آزمون و مورد تایید قرار گرفته بود (Ferrce, 1990; West and Zimmerman, 1987) مطالعه حاضر نیز این رابطه را تایید می کند. مشارکت در فرایند تصمیم گیری در خانواده توسط زنان و اینکه زوجین به طور مشترک بر روی مسائل خانوادگی تصمیم گیری نمایند، می تواند به مشارکت بیشتر مردها در کارها خانه و تقسیم متعادل تر و متوازن تر فعالیت های خانگی منجر شود.

- مطالعه حاضر این رابطه مورد تایید قرار داده است. شیوه زندگی یکی دیگر از عوامل مرتبط با تقسیم کار در خانه است از آن جا که در این مقاله شیوه های جدید زندگی مورد آزمون قرار گرفته اند، ملاحظه می شود که بین شیوه های جدید زندگی و تقسیم کار تساوی گرایانه تر در خانه رابطه وجود دارد. این رابطه توسط تحقیق حاضر مورد تایید قرار گرفت.

- بر اساس نتایج حاصل از آزمون چند متغیره می توان نتیجه گرفت که مهم ترین متغیری که تساوی گرایی در کارهای خانه و مشارکت بیشتر مردان را در این امور تبیین می کند، آگاهی زنان نسبت به شرایط جهانی و جهانی شدن است این آگاهی از طریق عوامل مختلفی همچون استفاده از تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطی و همچنین سایر وسایل ارتباط جمعی و شبکه های اجتماعی به دست می آید که زنان در آن ها قرار دارند.

- به بیان دیگر این آگاهی در خلاء ایجاد نمی شود. همچون مشارکت زنان در تصمیم گیری های درون خانه، دومین متغیری است که می تواند بر افزایش سهم مردان در کارهای خانه اثر بگذارد. زنانی که در تصمیم گیری های مختلف بر روی مسائل مختلف زندگی خانوادگی شان درگیر شده و مشارکت می کنند در تقسیم کارهای خانگی نیز سهم متعادل تری به دست می آورند.

- همچنان که یافته ها نشان داد مشارکت اقتصادی زنان در فعالیت های خارج از خانه در تحلیل دو متغیر دارای رابطه معنی داری با متغیر وابسته بود اما در تحلیل چند متغیره با استفاده از رگرسیون چند متغیره مشاهده شد که مشارکت آن ها در فعالیت های سیاسی نیز می تواند در تبیین تقسیم تساوی گرایانه کارها در خانه اثر بگذارد.

- به بیان دیگر زنانی که به نحوی در فعالیت های سیاسی مشارکت می کند، اعم از این که رای داده در راهپیمایی ها شرکت نمود و مانند آن ها تقسیم کار متعادل تری را در خانه تجربه کرده اند. شیوه زندگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی به ترتیب متغیرهای چهارمین تا ششمین متغیر وارد در معادله رگرسیونی بوده اند.

- ورود این متغیرها در مدل خود نشان دهنده اهمیت آنها در تبیین نحوه و میزان تقسیم کار در خانواده ایرانی است و نظریه منابع را مورد تایید قرار می دهد. رابطه ای که در تحلیل دو متغیره مورد تایید قرار گرفت اما در تحلیل چند متغیره غایب بود، نگرش های نقش جنسیتی بود احتمالاً تاثیر این متغیر با وجود متغیرهای ضعیف بوده و اهمیت متغیرهای درون مدل در جامعه ایرانی پیش از نگرش های نقش جنسیتی است.

- به طور کلی رابطه کلی مدل رگرسیونی با حضور شش متغیر فوق با متغیر تقسیم کار خانگی نسبتاً قوی ($R=0/555$) و قدرت تبیین مدل در پیش بینی تغییرات متغیر فوق نزدیک به ۳۱ درصد بوده است ($R^2=30/8$)

قدرت تبیین مدل در پیش بینی تغییرات

فهرست منابع

- اعزازي، ش (۱۳۷۶): جامعه شناسي خانواده، تهران، انتشارات روشن گران، چاپ اول.
- ايزدپناه، ع (۱۳۷۷): «تأثير پايگاه اقتصادي - اجتماعي مردان بر نگرش آنان نسبت به اشتغال زنان در شهر مرودشت استان فارس»، رساله کارشناسي ارشد جامعه شناسي، دانشگاه آزاد دهاقان.
- انجمن پزشکي بریتانیا (۱۳۸۲): بیماری های زنان، راهنمای پزشکی خانواده، ترجمه منصوره داوری، تهران، نشر سنبه.
- خواجه نوري، بیژن و عبدالعلي لهسایی زاده (۱۳۷۹): گزارش نهایی مطالعه عوامل فرهنگی مؤثر بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه: مطالعه موردی شهر شیراز، طرح مصوب اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، استان فارس.
- خواجه نوري، ب (۱۳۸۵): «بررسی رابطه مؤلفه های جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان، مطالعه موردی: تهران، شیراز و استهبان» رساله دکتری دانشگاه شیراز.
- خواجه نوري، ب (۱۳۷۶): «بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر بیگانگی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز)»، رساله کارشناسي ارشد جامعه شناسي، دانشگاه شیراز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸): تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷): پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۲): درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

رستگار خالد، امیر (۱۳۷۶): «نظر سنجی از زنان شاغل در باره تعارض نقش های شغلی و خانوادگی؛ کار-خانه داری»، مرکز تحقیقات و ارزشیابی برنامه های صدا و سیما، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات صدا و سیما.

- Acock, A. C., & Walker, A. J. (2004): "Gender Ideology and Investment in Housework." *Journal of Family Issue*, Vol. 25, No. 8, 1050-1071.
- Almeida, D. M., Moggs, J. I. & GALAMBOS, N. L., (1993): " Wives Employment course and Spousal Participation in Family Work." *Journal of Family Psychology*, Vol. 7, No. 2, pp. 233-244.
- Atkinson, M. P., & Boles, J. (1984): "WASP (Wives as Senior Partners)." *Journal of Marriage and the Family*, vol. 64, pp. 861-870.
- Barnett, R. C. & Shen, Y. (1997): " Gender, high-and low-schedule-control housework tasks, and psychological distress: A study of dual – earner couples." *Journal of Family Issues*, 18, 403-428.
- Baxter, J. (2005): " To Mary or not to Mary: Marital status and the household division of labor", *Journal of Family Issues*, Vol. 26, pp. 300-321.

- Baxter, J. (1992): "Power, attitudes and Time: The domestic division of labor", *Journal of Comparative Family Studies*; Vol. 23, No. 2, pp. 165-182.
- Beneria, L. (2001): "Shifting the Risk: New Employment Patterns, Informalization and Women's Work", *International Journal of Politics, Culture and Society*, Vol. 15, No.1.
- Biri, W., et. al. (1991): "The Analysis of the correlates of men's attitudes towards women's role in Libya", *National Journal of Sociology of the Family*, vol.21.129-144.
- Blumberg, R. L., & Coleman, M. T. (1989): "A theoretical Look at the gender of power in the American couple." *Journal of family Issues*, Vol. 10., pp. 225-250.
- Brines, J., & Joyner, K. (1999): "Economic dependency, gender and the division of labor at home", *American Journal of Sociology*, Vol. 100, No. 3, pp. 652-688.
- Coltrane, S. (2000): "Research on household labor: Modeling and measuring the social embeddedness of routine family work." *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 62, pp.1208-1233.
- Coverman, S. (1985): "Explaining husbands' participation in domestic labor", *Sociological Quarterly*, Vol. 26, No.1, pp. 81-97.
- Dale, R. (1999): "Specifying globalization effects on national policy: A Focus on the Mechanisms", *J. Education Policy*, Vol. 14, No. 1, pp. 1-17.
- Diefenbach, H (2002): "Gender ideologies, relative resources, and the division of housework in intimate relationships: A test of hyman Rodman's theory of resources in cultural context." *International Journal of Comparative Sociology*, Vol. 43, Issue 1, pp. 45-64.
- Epodoi, R. M. (2003): "Bridging the gender gap: women in the information Society." *UN Chronicle*.

- Ferree, M. M. (1990); "Beyond separate spheres: Feminism and family research." *Journal of marriage and the family*, Vol. 52, pp. 866-884.
- Ferree, M. M. (1991): "The gender division of labor in two earner marriage: Dimensions of variability and change." *Journal of family Issues*, 12, pp. 158-180.
- Ghosh, J. (1999): "globalisation and Women's Employment in Asia", *ISIS Women Action*, 2, pp. 22-29.
- Goodman, S. E., L. I. Press, S. R. Ruth, & A. M. Rutkowski (1994): "The global diffusion of the internet: patterns and problems." *Communication of ACM*, Vol. 37, No. 8, 27-31.
- Greenstein, T. N. (1996): "Husbands' participation in domesticwork: Interactive effects of husbands' and wives' gender ideologies." *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 58, 585-595.
- Hafkin, N. & Nancy Taggart (2001): "Gender, information technology, and Developing countries. " [Online]. <[http://www .iimahd.ernet .in/ ctps /genderand ICT /Articles/nancy% 20Hafkin.pdf](http://www.iimahd.ernet.in/ctps/genderand ICT /Articles/nancy%20Hafkin.pdf)>. [16 Oct 2004].
- Hamelink, C. J. (1997): "New Information and Communication Technologies, Social Development and Cultural Change." *United Nations Research Institute for Social Development (UNRISD)*, Discussion Paper NO. 86.

- Heaven, P. C. L. (1999): "Attitudes towards women's rights: Relationships with the social dominance orientation and political group identities.", *Sex roles*, Vol. 41, issue 7/8, pp. 605-615.
- Hirst, P. & G. Thompson, (2003): "The Future of globalization." in *The Handbook of Globalization*, Jonathan Micie (ed), Cheltenham: Edward Elgar.
- Kamo, Y (1988): "Determinants of household division of labor: Resources, power, and Ideology." *Journal of Family Issues*, 9, pp. 177-200.
- Kaplinsky, R. (2001): "Is Globalization all it is cracked up to be?", *Review of International Political Economy*, vol. 8, Issue 1, spring, pp. 45-65.
- Komter, A. (1989): "Hidden power in marriage." *Gender and Society*, Vol. 3, pp. 187-216.
- Lamont, M. & Virag Molnar (2001): "How Blacks use consumption to shape their collective identity: Evidence from marketing specialists.", *Journal of Consumer Culture*, Vol. 1, No. 1, pp. 31-45.
- Lin, Nan (1978): *Foundations of Social research*, New York: McGraw Hill.
- Loo, R. (1998): "Attitudes towards women's roles in society: A replication after 20 years.", *Sex Roles*, Vol. 39, Issue 11/12, pp. 903-912.
- Mason, K. O. & Herbert L. Smith, (2003): "Women's empowerment and social context: results from five Asian countries." [Online]. <http://www.13323_womens_empowerment-1.pdf>. [16 oct 2004].

- Mittelman, J. H. (2000): " Globalization: Captors and Captive.", *Third World Quarterly*, Vol. 21, No. 6, pp. 917-929.
- Nakhaie, M. R. (1995): "Housework in Canada: The National Picture." *Journal of Comparative Family Studies*, Vol. 26, Issue 3, pp. 409-425.
- Pittman, J. M. & Blanchard, D. (1996): " The Effect of Work History and Timing of Marriage on the Division of Household Labour." *American Psychologist*, Vol. 51, No. 2.
- Reardon, Geraldine (1998): Globalisation, Technological Change and Women Workers in Asia, *The United Nation University, Institute for New Technologies (UNU/ INTECH)*.
- Ross, C. (1987): "The division of labor at home", *Social Forces*, Vol. 65, No. 3, pp. 816-833.
- Royanian, S. (2003): "Women and Globalization, Iran as a Case Study", <http://Women4peace.org/women.globalization.html>.
- Sørnes, J.O., S. K. Keilberg, S. Browning, L. Davis (2004): "The Reflexivity between ICTs and Business Culture: Applying Hofstede's Theory to Compare Norway and the United States." *Information Science Journal*, Vol 7., pp. 1-30.
- Spitze, G. & Huber, J. (1981): "Accuracy of wife's perception of Husband's Attitude toward her employment." *Journal of Marriage and the Family* , vol . 44.
- Spitze, G. & Waite, L. T. (1981): Wives Employment: The Role of Husband,s perceived Attitudes, *Journal of Marriage and The Family* , February, PP. 127-150.

- Stewart, J. (2003): "Investigating ICTs in everyday life: insights from research on the adoption and consumption of new ICTs in the domestic environment." *Journal Cognition Technology and Work* Vol 5 4-14.
- Tompson, L., & A. J. Walker (1989); "Gender in families: Women and men in marriage, work, and parenthood." *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 51, 845- 871.
- UK Partnership for Global Health (2002): "Globalisation: economics and women's Health." [Onlin].< <http://www.ukglobalhealth.org>.> [16 oct 2004]
- Volger, C. (1998): " Moneyin the household: Some underlying issues of power." *The Sociological Review*, Vol. 46, pp. 687-713.
- Waters, M. (2001): *Globalization*. London: Routledge.
- West, C., & Zimmerman, D. H. (1987): " Doing gender", *Gender and Society*, Vol. 1, 125-151.
- Xu, X., Lai, S. (2002): "Resources, Gender Ideologies, and Marital Power." *Journal of Family Issues*, Vol. 23, No. 2, pp. 209-245.